

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیدموسی عثمان هستی

۳۱ جنوری ۲۰۱۲

حفظ تمامیت ارضی افغانستان حیثیت ناموس را دارد و یانه؟

وطن است صخره دشمن بادوباران
به فکرش می سازد سیل خروشان
غلط کردی حسابت نادرست است
که این ملت کوه است ضد طوفان
"شاعری ترازو"

قسمت سوم

به خاطر وطن سنگ تراشی پیشه من
دست سنگ و قلم پولادین تیشه من
بدست خویش نسازم پیکرتجزیه هرگز
خیال پیکر سنگ است در اندیشه من
«شاعری ترازو»

بعد از فروپاشی دولت شوروی که ملت افغانستان هیزم آتش جنگ نابرابر گرفت این آتش زیر خاکستر را امریکا و غرب شعله و رساختند پاکستان که به خاطر همین روز تولد شده بود و نقش مزدوری را از روز تأسیس خود به گردن بی شرافتی گرفته بود.
امریکا و غرب از موقع استفاده کرده با سلاح های خطرناک که در دسترس پاکستان قرارداد و رهبران خود فروخته و مزدورسگان آس آس از دولت نظامی گران وقت که ضیاءالحق بزرگترین جنایتکار بشریت بود سلاح گرفتند و داخل افغانستان شدند تا در برابر دولت مزدور اتحاد شوروی وقت بجنگند.

آری من هم در این جنایت شریک هستم به خاطریکه احمد شاه مسعود تحت اثر کفایت الله بر ادراستحق پنجشیر با سیزده نفر از بالاحصار پشاور به لیز نورستان با چند نفر کارگشته های آی اس آی آمده بودند ولی از ترس مردم پنجشیر به خاطر وطن فروشی شان در زمان حکومت سردار محمد داوود که در جنگ پنجشیر شگفت خورده بودند جرأت داخل شدن به پنجشیر را نداشتند من و پهلون احمدجان به اثر درخواست همین سیزده نفر آنها را از لیز نورستان آوردیم به شرطی که نفرهای آی اس آی با آنها نیاید. با احمدشاه مسعود در لیز نورستان از پاکستان لعل هزاره از قریه دوکتور ولسوالی سرخ پارسا مربوط ولایت پروان از جمله زنجیری های حزب اسلامی گلب الدین حکمتیار، آدم خان سرخروتی مربوط حزب اسلامی، حقانی جاسوس سرسپرده آی اس آی از زمانی که در مدرسه حقانی پاکستان درس خوانده بود و در بالاحصار پشاور به کنترل گروپ مسعود حکمتیار وربانی و دیگر فراریان افغانی از طرف آی اس آی موظف بود تا آنها را کنترل کند و تحت نظر داشته باشد این سپاهی بود که رهبران را سیلی زده می توانست.

احمدشاه مسعود با کفایت الله و گروپ شان به پنجشیر به موافقه من و پهلوان احمدجان آمدند مارآستین من و احمدجان شدند، لعل هزاره به سرخ پارسا رفت با خارنوال رؤوف که عزیز الفت را در پشاور به دستور گلب الدین ترور کرد در منطقه هزاره جنگ ها را رهبری کردند در آن وقت نه سیدجگرن بود و نه دارودسته مزاری و محسنی. آدم خان به سرخ رود مشرقی رفت جنگ هارا علیه حزب دموکراتیک در لغمان کنر و جلال آباد رهبری می کرد حقانی به به پکتیکا رفت جنگ های پکتیا خوست غزنی قندهار را رهبری می کرد

روس در این جنگ توان مقام نداشت نه تنها شکست خورد مستعمرات دورن خودش و دوران ترار را از دست داد امریکا به خاطر پایگاه های خود که سالها فکر آن را در سر می پرورانیید به الهام گرفتن از تجزیه کردن مستعمرات انگلیس در قاره هند در قرن بیست، بالکان رادر آتش نفاق انداخت و آن را تجزیه کرد. بعد از حادثه ۱۱/۰۹/۰۱ که بهانه خود را قبلاً به نام القاعده در پاکستان و افغانستان ساخته بود طالب و القاده که دم آی اس آی مزدور امریکا و انگلیس بود و در منطقه جابه جا شده بودند از این ناخن افکار امریکا استفاده کرده و سرعت بیشتر به خرچ داد.

اولین مملکت هائی که قربانی آرزوی امریکا شد افغانستان و عراق آغشته به خون بود که هنوز هم زخم های قبلی آن التیام نیافته و جلادان تشنه به خون امریکا در نقش شاه پرست و داوود پرست، حزب دموکراتیک خلق، مجاهد گنده خشتک، طالب مزدور، چپ و راست خود فروخته مصیبت دیگری بر افغانستان گردیده اند و نقشه های غرب و امریکا رابه خاطر تطبیق میل استعمار که خواب تجزیه است این مزدوران سرسپرده بی شرمانه می بینند. هنوز هم در لباس جنگی و آتشتی گروپ می سازند و گروپ پاشان می کنند یکروز یکی هستند و روز دیگر دشمن ظاهری؛ در حقیقت در پی منافع خود و بداران خود می باشند با یکجا شدن و جدا شدن خاک به چشم ملت زده به خاطر بقای خود از هیچ پستس روگردان نیستند.

امریکا باید دقیق ملتفت یک واقعیت روشن و قابل قبول شود و بدانند و از گذشتگان خود بیاموزد موقف افغانستان و موقعیت جغرافیائی کوهستانی، اقلیمی و ستراتیژیکی آن با دیگر ممالک قابل مقایسه نیست همان طوریکه جنگ ها در ویتنام به خاطر جنگلات زیاد جنگ دشوار بود در افغانستان به خاطر کوهستانی بودنش سخت و دشوار است به استمارگران و مزدوران دست نشانده داخلی شان خاطر نشان می کنم که زود درک کنند که در محاسبه خود اشتباه نکنید افغانستان بالکان نیست همچنان فرهنگ، عنعنات قبیله ئی و غیر قبیله ئی این سرزمین با بالکان متفاوت می باشد.

مردمان این مرز و بوم آزاد منش بوده با تمدن عصری که بالکان داشت فرق دارد تمدن ها و تکنالوژی سبب می شود که فرهنگ و کلچر یک مملکت را تغییر بدهد و مردم آنجا نرم (متمدن) سازد
هنوز افغانستان در تمدن کهنه و دوران تکنالوژی قرار دارد پنج فیصد با سواد ندارد سه دهه در یک جنگ تحمیلی قرار داشته فرصت پذیرفتن تمدن فعلی جهان را نداشته که این عقب ماندگی حالت جنگ های افغان و انگلیس را سر امریکا و ناتو می آورد افغانستان را به هیچ صورت تجزیه کرده نمی تواند در حالیکه روس هم پشت سر آن به خاطر تجزیه منتظر است تا بتواند در تنور داغ تجزیه به خودنایی پخته کند.

امریکا و غرب خصوصاً انگلیس و روس می دانند ملت مست افغانستان که همیشه سد راه دیوانگان شده اند در طول تاریخ حقارت و اسارت بیگانگان را این ملت نپذیرفته و می گویم که نخواهد پذیرفت. با کبر و غرور می گویم این ملت حقارت پذیر و استعمار پذیر نیست جنگ های اسکندر، چنگیز مغول، جنگ های فارس و هوتکی ها جنگ های انگلیس، روس، امریکا و ناتو و تاریخ افغانستان شاهد این مدعاست

این سرزمین شیران است

دشمن روپاه و شغالان است

در تاریخ شور و فغان است

بادوزاله نه میده باران است

"شاعری ترازو"

بگذار که وطن فروشان سرود چه میده باران است یاران امریکائی به دالان است برای امریکا و ناتو و روس بخواند خشم ملت سیلابی است که آبادی و ویرانه را نمی شناسد بافراز و نشیب پنجه نرم می کند استعمارگران و مزدوران شان نرمی آب سلاب دیده اند مگر خشم و سرکشی های سیلاب را درک نکرده اند اگر با خشم سیلاب ملت ما روبرو شوند آن وقت می دانند که یک نان چندپتیر می شود و پند گرفتن از پریدن دال و چپاتی دیر خواهد بود تجزیه جز خیال و محال و جنون بیش نیست

بگذار که در تنور داغ دشمنان افغانستان نان چکیده پخته کنند و آلوده به خاکستر بخورند عاقبتش معده دردی دارد.

ادمه دارد